

مطالعه تطبیقی الگوی صدور انقلاب در ایران و روسیه

محمدجواد هراتی^۱
رضا سلیمانی^۲
مهدی موسعلی^۳

چکیده

اتحاد رویکرد و مطالعه‌ای تطبیقی در بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی، به عنوان یکی از روش‌های مطالعاتی موثر در تحلیل موضوعات مختلف از جمله حوزه موضوعی انقلاب‌ها، ضرورت دارد. صدور انقلاب یکی از حوزه‌های موضوعی جذاب و پردامنه این پدیده اجتماعی است. غالب انقلاب‌های بزرگ و تاثیرگذار دنیا بعد از وقوع، قهرا وارد فاز یا مرحله جدیدی تحت عنوان "صدور انقلاب" می‌شوند که بر نوع تعامل انقلاب با محیط‌های خارج از مرزهای خود و محیط‌های بین‌المللی - جهانی تمرکز می‌یابد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش "مطالعه تطبیقی"، الگوی صدور دو انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران بررسی شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چه تفاوتی میان الگوی صدور انقلاب در انقلاب اسلامی ایران و روسیه دیده می‌شود و علل این تفاوت‌ها در چیست. نگارندگان بر این باورند عمده ترین تفاوت این است که برخلاف الگوی قهری صدور انقلاب در انقلاب روسیه، الگوی اصلی صدور انقلاب اسلامی، به شیوه نرم و مسالمت‌آمیز بوده و از این رو در مقام مقایسه با انقلاب روسیه موفق تر بوده است.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، انقلاب روسیه، صدور انقلاب، مقایسه الگوی صدور

Email: mjharaty@yahoo.com

Email: r.soleimani1980@gmail.com

Email: mahdee1240@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

۱- دانشیار دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)

۲- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه پیام نور

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۴

مقدمه

اصولاً مسأله صدور انقلاب یکی از پیامدهای این پدیده اجتماعی است. غالب انقلاب‌ها بعد از وقوع، با مسأله و موضوع تعامل انقلاب با محیط‌های خارج از مرزهای خود و محیط‌های بین‌المللی روبه‌رو می‌گردند. غالب دولت‌های انقلابی ایدئولوژی‌های ی با آرمان‌ها و اهداف جهانی هستند و از این رو، انقلابیون نیز برآند تا آرمان‌ها و مدل‌های فکری، اقتصادی، سیاسی انقلاب پذیرفته شده در کشورشان را به سایر جوامع نیز انتقال دهند. انقلابیون انقلاب‌های بزرگ اعتقاد دارند که اصول و مبانی انقلابشان اعم از هستی‌شناسی (جهان‌بینی)، انسان‌شناسی و نهایتاً مدل‌های اقتصادی و سیاسی‌شان برای جوامع دیگر نیز جذاب خواهد بود و در واقع آرمان‌های اینان باعث خوشبختی و سرفرازی سایر جوامع نیز خواهد شد. مخصوصاً در انقلاب‌هایی که دارای آرمان‌های جهانی می‌باشند این روحیه صدور آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب به سایر جوامع بیشتر نمود پیدا می‌کند. البته برخی از انقلاب‌ها نیز به دلیل اینکه ایدئولوژی جهان‌شمولی ندارند و ایدئولوژی آنها محدود به مرزهای ملی می‌باشد از این قاعده مستثنا هستند. انقلاب‌های اخیر، سعادت و آزادی را در رهایی از استبداد داخلی خلاصه میکنند و معتقدند که انقلاب، صرفاً و ابتداء دارای اهداف ملی در چهارچوب مرزهای رسمی تعریف شده هستند. در مقابل، صدور انقلاب در انقلاب‌های بزرگ جهان به دلیل قدرت تأثیرگذاری آنها در جوامع دیگر، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

موضوع «صدور» انقلاب اسلامی از دو جهت قابل بررسی می‌باشد: اول آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی مطرح شده در انقلاب است. از جمله این اهداف و آرمان‌ها می‌توان به نجات محرومان و مستضعفان از سلطه فکر و اندیشه و همچنین از سلطه اقتصادی مستکبران جهان اشاره نمود که با توجه به این جهان‌شمول بودن آرمان‌های انقلاب اسلامی، صدور انقلاب در انقلاب اسلامی ایران مورد توجه جدی قرار دارد. دوم، جنبه اسلامی بودن انقلاب ایران است. مخاطب دین اسلام انسان‌های تمام جهان است و این دین خاتم داعیه جهان‌شمولی دارد که باید پیام آن به گوش تمام انسان‌ها و ملت‌ها برسد. لذا انقلاب ایران از دو جنبه مهم یکی آرمان‌های انقلابی مطرح شده (که البته برخاسته از اسلام است و ریشه در اعتقادات مذهبی دارد) و دیگری جنبه اسلامی بودن انقلاب، دارای ایدئولوژی فراملی و جهان‌شمولی می‌باشد. قرآن کریم پیامبر را «رحمة للعالمین» (قرآن کریم، انبیاء: آیه ۱۰۷) معرفی می‌کند و شعار و پیام او را رهایی از زنجیرها و اسارت‌ها و سختی‌ها و گمراهی‌ها می‌داند (قرآن کریم، اعراف: آیه ۱۵۷).

۱. صدور انقلاب از حیث ماهیت فرامرزی انقلاب روسیه و ایران

انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه دو انقلاب بزرگ جهان می‌باشند که موضوع صدور در هر دو انقلاب از همان ابتدای انقلاب خودنمایی کرد. بنیانگذاران و رهبران دو انقلاب ولو با برخورداری از مبانی اعتقادی انسان‌شناختی و هستی‌شناختی متفاوت، تأکید بر ماهیت فراملی و فرامرزی انقلاب خود داشته‌اند.

در ایران امام خمینی(ره) به صدور انقلاب، به شیوه‌ها و دلایل مختلف اهتمام ورزیده است. امام(ره) با تأکید بر اینکه صدور انقلاب حتمی است فرمودند «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۸). همچنین حضرت امام خمینی(ره) با قاطعیت تفکر همه مخالفان صدور انقلاب را نفی کردند و در پیامی که مخاطب آن ملت مسلمان ایران و مسلمین و مستضعفین جهان بودند اشاره کردند که باید در جهت صدور انقلاب تلاش کنیم و هرگونه تفکر که منافی با صدور انقلاب باشد باید کنار گذاشته شود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). امام(ره) در بیانات خود به دلایل صدور انقلاب نیز اشاره نموده اند. اولین دلیل صدور انقلاب در ایران ماهیت اسلامی انقلاب اسلامی ایران است. رویکرد اصلی امام(ره) از صدور انقلاب جلب توجه مسلمانان به اسلام و قوانین اصلی است و ثانیاً صدور انقلاب به نوعی دفاع از انقلاب اسلامی است و امام خمینی(ره) نیز با اشاره به این مطلب می‌فرماید «اگر ما در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد» و ثالثاً صدور انقلاب در قالب تکلیف قابل بررسی است. صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی تکلیفی است که به عهده ما است. و دعوت پیغمبر اکرم نیز به فرموده امام(ره) محصور به عربستان نبوده است و دعوت جهانی بوده است (امام خمینی، ج ۱۰، ۱۳۸۶: ۴۴۶).

سایر اندیشمندان و مسئولین انقلاب نیز به پیروی از امام خمینی(ره) صدور انقلاب را مطرح نموده‌اند. شهید رجایی صدور انقلاب را مصلحت جمهوری اسلامی می‌داند و شهید بهشتی به‌عنوان یکی از ایدئولوگ‌های اصلی انقلاب اسلامی در ایران نیز درباره صدور انقلاب معتقد است که ساختن جامعه خوب باعث جلب نظر همسایگان ما به انقلاب می‌شود و امر صدور انقلاب را میسر می‌دارد (بزدانی، اخجسته، ۱۳۹۲: ۷۵). ایشان در نقل قولی تأمل برانگیز بر ضرورت صدور انقلاب به عنوان مبنایی برای ادامه حیات انقلابی آن تأکید و تصریح می‌کند: «اصولاً هر انقلابی که تنها به درون مرزهایش پرداخته و توجهی به خارج از حدود خود نداشته باشد، دشمن آسوده‌اش نمی‌گذارد... این یک اصل در مبارزه است که باید به آن توجه نمود: اگر ما با دشمنان انقلاب در آن سوی مرزها نجنگیم، دشمن مرزهای ما را دائماً کوچک‌تر و محدودتر خواهد کرد» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۱/۱۱).

انگاره صدور انقلاب اسلامی در ایدئولوژی‌های رهبران انقلابی، انعکاس قانونی در قانون اساسی نیز داشته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران مسأله صدور انقلاب مورد تأکید قرار گرفته و به برخی از مبانی آن نیز اشاره شده است در اصل یازدهم قانون اساسی اشاره شده است که: «به حکم آیه کریمه "ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون" همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل یازدهم) در اصول دیگر قانون اساسی نیز بردفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین جهان تأکید شده است. بر اساس قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی سعادت و خوشبختی همه افراد بشر را آرمان خود دانسته و خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها خصوصاً مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند

(قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۴، ۱۱ و بند ۱۶ اصل ۳). حمایت از حقوق همه انسان‌ها خصوصاً مظلومان و محرومان و مستضعفان، از دیدگاه اسلام وظیفه اساسی برای همه مسلمانان است. مسلمانان نمی‌توانند نسبت به سعادت و خوشبختی و حقوق انسان‌های دیگر بی‌تفاوت باشند؛ زیرا انسان دوستی و حمایت از اصول و ارزش‌های انسانی و تلاش در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های مشترک بشری و بالأخره حمایت از عدالت و آزادی و استقلال و صلح و امنیت، از آموزه‌های روشن و بدیهی اسلام است.

در مجموع دیدگاه غالب در تمام عمر انقلاب موافق با صدور انقلاب بوده است و تنها در اوایل دولت موقت یک گفتمان ملی‌گرا مخالف با صدور انقلاب بود و با استناد به مقررات بین‌المللی صدور انقلاب را مغایر با اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها می‌دانست و مسئولان دولت به صراحت اعلام می‌کردند که ما قصد صادر کردن انقلاب خود را نداریم (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۷ و ۱۴۸).

در نقطه مقابل، انقلاب روسیه نیز دارای ماهیت فراملی و فرامرزی بوده است. از دو حیث انقلاب روسیه جنبه بین‌المللی داشت یکی از این حیث که فرض انقلاب سوسیالیستی این بود که مانند انقلاب فرانسه سعی در گسترش انقلاب داشته باشد و تمام جهان را شامل شود و دیگری از این حیث که مانیفست کمونیستی ماهیت بین‌المللی دارد (هلت کار، ۱۳۷۱: ۱۵). با نظر به فضای حزب کمونیست و همچنین به اندیشه‌ها و آرای انقلابیون و سران انقلاب روسیه این مطلب به‌خوبی واضح و روشن است که صدور انقلاب مفهومی مسلّم انگاشته می‌شده است. اندیشه‌هایی که در حزب مطرح می‌شد، حاکی از گرایشی غلیظ و مصرانه به سمت و سوی صدور انقلاب داشته است. به عنوان نمونه، باسلینکی می‌گوید «اگر انقلاب در چهارچوب ملی باشد راه نجاتی برای آن نیست». سوکولینکوف نیز موفقیت انقلاب روسیه را فقط در قالب انقلاب جهانی می‌داند و استوکوف نیز که هرگونه تردیدی را از اینکه انقلاب روسیه، انقلابی جهانی است، نفی می‌کند (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۶۱۳).

در اعلامیه‌های ساونارکوم نیز به این مطالب اشاره می‌شد و تعبیراتی در پایان اعلامیه‌ها همانند «زنده باد انقلاب سوسیالیستی بین‌المللی» به کار می‌رفت که نشانگر بعد بین‌المللی انقلاب روسیه بود (هلت کار، ۱۳۷: ۸۷) در کنفرانس ماه اوت نیز یکی از نکاتی که همه بر سر آن با هم موافق بودند این مسأله بود که مسأله انقلاب سوسیالیستی اساساً ماهیت بین‌المللی دارد (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۵۶۹).

لنین رهبر بلشویک‌ها و طراح تز "انقلاب حرفه ای" در روسیه نیز پیش و پس از تبعید خود و پس از به دست گرفتن قدرت همواره در فکر یک انقلاب جهانی بود (طلوعی، ۱۳۷۰: ۲۰۶) وی نیز در آغاز کار خود نوشت «جنبش سوسیال دموکراتیک در ذات خود بین‌المللی است» (هلت کار، ۱۳۷۱: ۲۵) لنین و پیروان او با تأکید بر انقلاب مداوم، بیان می‌کردند که انقلاب فقط در قالب انقلاب سوسیالیستی جهانی پیروز خواهد شد و در غیر این صورت در هم شکسته خواهد شد. وی به همین منظور در بیانیه‌ای بر لزوم

کمک و همبستگی حکومت شوروی با حرکت‌های انقلابی سایر کشورها تأکید کرد (طلوعی، ۱۳۷۰: ۲۰۶)

نکته جالب آن است که در انقلاب روسیه نیز از جمله دلایل مطرح شده برای صدور انقلاب، دفاع از اصل و ماهیت انقلاب روسیه است. لنین در همین رابطه می‌گوید که: «اگر ما فرصت را از دست بدهیم نیروهای امپریالیستی در سراسر جهان علیه ما متحد خواهند شد» (طلوعی، ۱۳۷۰: ۱۵۶). و همچنین جمله سوکولنیکوف در کنفرانس منطقه ای مسکو مبنی بر اینکه: «اگر انقلاب روسیه به امپریالیزم جهانی حمله نکند خود نابود خواهد شد و به‌دست امپریالیزم خفه خواهد شد» (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۵۶۸). از دیگر دلایل صدور انقلاب روسیه همان مرام و منش کمونیستی است که آرمان‌های جهانی دارد چنانچه پیشتر اشاره شد مانیفست کمونیستی اعلام می‌کند که «اختلاف و ستیزه‌های ملی میان اقوام روز به روز بیشتر ناپدید می‌شوند... حاکمیت پرولتاریا آنها را با سرعت بیشتری ناپدید خواهد کرد» (هلت کار، ۱۳۷۱: ۱۵).

در مجموع باید اشاره کرد که در هر دو انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران آرمان صدور انقلاب در میان انقلابیون گفتمان غالب بوده است و بعد فراملی و فرامرزی دو انقلاب امری روشن است و به وضوح می‌توان با نگاهی به انقلاب روسیه و ایران به این امر پی برد. و از دلایل صدور انقلاب در هر دو انقلاب دفاع و صیانت از انقلاب در مقابل دشمنان انقلاب است. در انقلاب اسلامی ایران ماهیت اسلامی آن و جهانی بودن دین اسلام نیز دلیل، دلیل دیگری بر صدور انقلاب است. در انقلاب روسیه نیز منش کمونیستی دارای بعد فرامرزی می‌باشد.

۲. مقایسه از حیث شیوه‌های صدور انقلاب

فرضیه نگارندگان در این بخش آن است که با وجود اشتراک هر دو انقلاب اسلامی در ایران و انقلاب چپ کمونیستی در روسیه در اصل و آرمان صدور انقلاب، روش و سبک صدور انقلاب به‌علت تفاوت اساسی در جهت گیری‌های ارزشی و دینی- مذهبی هر دو انقلاب، کاملاً با یکدیگر متفاوت است. به سخن دیگر از آنجا که دو انقلاب بزرگ ایران و روسیه نیز دارای ماهیتی متفاوت و ضد یکدیگر بوده و در واقع، ایدئولوژی حاکم بر آنها، مطابق و همخوان با یکدیگر نیست، لذا در شیوه‌های صدور انقلاب نیز دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند. در درون هر کدام از این انقلابها نیز دیدگاه‌های متفاوتی از صدور انقلاب هست؛ لذا مشاهده می‌شود که گفتمان‌های مختلفی در درون هر انقلاب شکل گرفته است که با حفظ خط‌مشی اساسی آن انقلاب در صدور انقلاب، شیوه‌های مختلفی را در جهت صدور انقلاب به کارگیری کرده اند.

۱-۲. مقایسه شیوه صدور انقلاب در اندیشه‌ها

۱-۲-۱. شیوه صدور در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی

صدور انقلاب در ایران همان‌طور از دیدگاه‌ها و عملکرد دولت‌ها روشن می‌گردد همواره صدور نرم و مسالمت‌آمیز انقلاب بوده است و به هیچ وجه رویکرد تهاجمی و کشورگشایی نداشته است. به جز عده قلیلی که با شعار اسلام مرز نمی‌شناسد قائل به صدور قهری انقلاب بودند. امام خمینی (ره) با تأکید خود بر اینکه ما به سرزمین‌های دیگران چشم طمع نداریم این تفکر را نفی می‌نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۴: ه)

با نگاهی به نظرات امام خمینی (ره) رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران و سایر اندیشمندان و انقلابیون، نرم و مسالمت‌آمیز بودن صدور انقلاب مشخص‌تر و واضح‌تر می‌گردد. ایشان در ضمن تأکیدات خود بر صدور انقلاب به صراحت بیان می‌دارند که منظور از صدور انقلاب به معنای کشورگشایی و تعرض به کشورهای دیگر نیست و بیان می‌کنند که: «ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند» (امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۸۶: ۲۸۱). ایشان منظور از صدور انقلاب را بیداری ملت‌ها و آشتی بین دولت‌ها و ملت‌ها می‌دانند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۹۶). امام خمینی (ره) تأکید بر دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت‌ها به جای ارتباط دولت‌ها دارند و در بیانات خویش همواره ملت‌ها و توده‌های مردم علی‌الخصوص مردم مستضعف را مورد خطاب قرار داده‌اند.

وی همچنین بیان می‌دارند که منظور دیگر از صدور انقلاب کوتاه کردن دست استعمارگران از سر کشورهای دیگر است و می‌فرمایند: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان در فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند» (امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۸۶: ۲۸۱).

شیوه‌هایی را که امام خمینی (ره) برای صدور انقلاب ارائه می‌دهند همگی حاکی از دیدگاه ایشان می‌باشد که قائل به صدور نرم انقلاب هستند. ایشان در راهکارها و شیوه‌های خود به مسائلی همچون تبلیغ راستین اسلام اشاره می‌کنند و می‌فرمایند «ما نمی‌خواهیم [صدور انقلاب] با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ صحیح اسلام باشد و تبلیغاتی را که کمونیست‌ها و سایرین بر علیه اسلام دارند را با تبلیغ اسلام راستین خنثی کنیم و تأکید می‌کنند که ما می‌خواهیم انقلاب فرهنگی و اسلامی‌مان را به همه جا صادر کنیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۹۰ و ۹۱). از جمله شیوه‌های صدور انقلاب در دیدگاه امام (ره) علاوه بر تبلیغ راستین اسلام، ارائه الگوی مناسب از کشور اسلامی در سایر کشورها، تلاش در جهت هماهنگی دولت‌ها و ملت و بیدار کردن دولت‌ها در راستای آشنایی با اهداف شوم استعمارگران و بیدار کردن ملت‌ها جهت آشنایی با حقوق خود می‌باشد (حسینی فرد، بی‌تا: ۲۸۰-۲۸۲).

علاوه بر امام خمینی(ره) مقام معظم رهبری نیز صدور انقلاب به معنای صدور سلاح و جنگ‌طلبی را نفی می‌نمایند و بیان می‌دارند که صدور انقلاب به معنای صدور فکر و اندیشه است و صدور فرهنگی از همان انقلاب مدنظر است و می‌فرمایند: «صدور انقلاب، صدور فکر است؛ صدور ایمان است، صدور عشق است»(khamenei.ir).

شهید بهشتی(ره) در رابطه با صدور انقلاب بیان می‌دارد که به‌منظور صدور انقلاب باید جامعه‌ای الگو و مناسب شکل بگیرد تا مورد توجه همسایگان قرار گیرد و صدور انقلاب را به این معنا می‌داند که تلاش در جهت ساختن جامعه‌ای خوب صورت بگیرد تا موردنظر و توجه سایرین واقع شود. شهید رجایی نیز صدور انقلاب را جز مصالح جمهوری اسلامی ایران می‌داند و راهکار صدور انقلاب را مانند شهید بهشتی در ساختن جامعه‌ای الگو می‌داند و بیان می‌دارد که باید برای صدور انقلاب آرمان‌های انقلاب را در این تحقق ببخشیم تا بتوانیم جامعه‌ای سرمشق و نمونه به دیگران معرفی نماییم (یزدانی و اخجسته، ۱۳۹۲: ۷۵ و ۷۶) شهید مطهری نیز صدور انقلاب را صدور فکری و فرهنگی می‌داند و راه صدور انقلاب را معرفی اسلام واقعی و راستین می‌داند و می‌گوید و موثرترین راه صدور انقلاب اسلامی معرفی مکتبی است که این انقلاب براساس آن استوار است (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۸).

حجت‌السلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، نیز صدور انقلاب از طریق جنگ را مردود می‌شمارد و می‌گوید «آن‌ان که تصور می‌کنند ما از طریق جنگ و تجاوز انقلابمان را صادر می‌کنیم، در اشتباهند» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). وی برای صدور دو راه را معرفی می‌نماید یکی اینکه فکر و پیام انقلاب و اسلام را به همه جای دنیا ارائه دهیم تا موجب صدور انقلاب شود و می‌گوید: «قصد ما از صدور انقلاب ارائه فکر، ایده و راه قرآن به جهان می‌باشد» (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۹). و راه دوم اینکه مدلی از توسعه و پیشرفت اقتصادی را همراه با پیشرفت تکامل و محتویات اسلامی به جهان ارائه دهیم، که در این صورت موفق به صدور انقلاب شده‌ایم (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸) بنابراین مشخص می‌گردد که در انقلاب اسلامی ایران غالب دیدگاه‌ها در راستای صدور نرم و انقلاب بوده است.

شیوه صدور انقلاب در اندیشه سیاسی انقلاب روسیه

در انقلاب روسیه همانطور که بیان گردید فضای حاکم، در جهت صدور انقلاب بوده است. در انقلاب روسیه تعبیراتی که انقلابیون جهت صدور انقلاب به کار می‌گرفتند تعبیراتی است که بیان می‌دارد انقلاب روسیه باید به هر صورت ممکن صادر گردد، اعم از صدور نرم یا قهری، و برخی از تعبیرات نیز به وضوح بیانگر صدور قهری انقلاب روسیه است. ر کنفرانس مسکو بیان گردید که باید برای انقلاب سوسیالیستی ای آماده شویم که به مثابه چاشنی انقلاب سوسیالیستی در غرب عمل خواهد کرد و یا انقلاب روسیه باید به امپریالیزم جهانی یورش ببرد (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۵۶۹).

تعبیرات اینچنینی نشان دهنده صدور انقلاب ولو به‌وسیله جنگ و تهاجم علیه سایر کشورها است. در کنفرانس ماه اوت نیز یکی از موارد مورد توافق این بود که دولت کارگری تنها در صورتی می‌تواند پا بر جا

بماند که امپریالیزم را در غرب سرنگون کند (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۵۶۹). لنین نیز چند روز بعد از پیروزی انقلاب در دستورالعملی خطاب به کمیته‌های حزبی سراسر روسیه بیان می‌دارد «تردید و تعلل برای آغاز حرکت مسلحانه، جنایت به حساب می‌آید و اکثریت کارگران و افراد نیروهای مسلح نیز با انقلاب هستند و اگر انقلاب روسیه موفق شود در آلمان نیز انقلاب رخ خواهد داد و در غیر این صورت نیروهای امپریالیستی در سراسر جهان علیه انقلاب روسیه متحد خواهند شد» (طلوعی، ۱۳۷۰: ۱۵۶)، وی در سال ۱۹۲۰ پس از صلح برست لیتوفسک با آلمان‌ها بیان می‌کند که ما اکنون از جنگ به صلح رسیده‌ایم اما جنگ بار دیگر رخ خواهد داد و ما مادامی که سرمایه‌داری و امپریالیزم در کنار سوسیالیسم باشند در صلح نمی‌توانیم زندگی کنیم (تروتسکی، ۱۳۶۰، ۵۸۳). تروتسکی وزیر امور خارجه انقلاب روسیه در رابطه با نبرد با امپریالیسم می‌گوید ما سرنگونی فوری سلطه امپریالیسم را می‌خواهیم و تأکید بر نبرد با امپریالیسم و دیپلماسی سرمایه‌داری می‌کند (هلت کار، ۱۳۷۱: ۲۸)

بوخارین نیز در رابطه با صدور انقلاب می‌گوید «اگر انقلاب در روسیه پیش از در گرفتن انقلاب در غرب به پیروزی برسد ناچار خواهیم شد آتش انقلاب سوسیالیستی جهان را بیفروزیم» (تروتسکی، ۱۳۶۰: ۵۶۸). بوخارین و پیروان او عقیده محکمی بر این مطلب داشتند که جنگ انقلابی بر ضد حکومت‌های سرمایه‌داری نخستین وظیفه حکومت شوروی است (هلت کار، ۱۳۷۱، ۷۳). بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود در انقلاب روسیه و انقلابیون تعبیرات فوق دیده می‌شود که بیانگر صدور انقلاب با هر وسیله است و برخی تعبیرات نیز تصریح به این دارند که انقلاب روسیه حتی با وسیله جنگ با سرمایه‌داری و امپریالیزم باید صادر شود.

۲-۲. مقایسه شیوه صدور انقلاب در مقام عملکرد دو انقلاب

۲-۲-۱. شیوه اجرای اندیشه صدور انقلاب در انقلاب اسلامی ایران

در مقام عمل نیز شیوه‌های صدور دو انقلاب متفاوت است و در برخی موارد نیز شباهت‌هایی به هم دارد. در انقلاب اسلامی ایران شیوه غالب صدور انقلاب، صدور مسالمت‌آمیز انقلاب در تمام دوره‌های گفتگمانی بعد از انقلاب بوده است. در سال‌های قبل از ۱۳۶۰، دولت موقت تلاش می‌کرد تا رابطه مسالمت‌آمیز با سایر دولت‌ها و ملت‌ها داشته باشد و از هرگونه عملی که موجب تحریک سایر کشورها شود خودداری می‌کرد (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۲: ۷۳ و ۷۴).

در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر نیز راه دولت موقت ادامه داده شد و عملاً سیاست صدور انقلاب پیگیری نشد اما این گفتگمان، عمر کوتاهی داشت و خیلی زود به حاشیه رفت و گفتگمان اسلام‌گرایی قد علم کرد و سیاست صدور انقلاب در دستور کار قرار گرفت با ریاست جمهوری شهید رجایی در واقع دوره سیاست صدور انقلاب آغاز شد و نیروهای حزب جمهوری اسلامی در دولت و عرصه تصمیم‌گیری وارد شدند. در اصول و برنامه‌های این حزب برای صدور انقلاب راهکارهایی ارائه شده است که شامل صدور انقلاب از راه تلاش برای چه کامل‌تر الگوی داخلی و معرفی آن به مسلمانان و همه مردم جهان و

جهانی کردن انقلاب اسلامی به دور از هر نوع شائبه سلطه‌طلبی انقلابیون ایران بر دیگران، کمک به جنبش‌های آزادی بخش به‌ویژه نهضت‌های اصیل اسلامی و اعتقاد به اینکه گسترش این نهضت‌ها از عوامل دوام انقلاب اسلامی نیز هست (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۲: ۷۵ و ۷۴).

در دوران دفاع مقدس صدور انقلاب از طریق دفاع انجام می‌شد. از اقداماتی که در دوره دفاع مقدس انجام شد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که هیچ یک از آنها در راستای صدور قهری انقلاب نیست و بلکه نشان‌دهنده صدور نرم انقلاب است. ۱- تشکیل کمیته‌ای در وزارت امور خارجه برای تدوین و تعیین اصول و مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی ۲- طرح و برنامه‌ای برای تشکیل جبهه اسلامی در سراسر جهان ۳- شورای انقلاب اسلامی که در بر گیرنده مجلس اعلا‌ی انقلاب اسلامی عراق، جنبش انقلاب اسلامی جزیره العرب، جبهه آزادی بخش بحرین و گروه‌های آزادی بخش برای لبنان (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۶۰)

جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد از فرصت به دست آمده پس از تجاوز عراق به‌منظور تبیین و ترویج اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده کند و از این رو صدور تدافعی انقلاب اسلامی در اولویت سیاست خارجی قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۵۱). خصوصاً پس از فتح خرمشهر که جنگ به منزله اهرم صدور انقلاب اسلامی محسوب می‌شد (سلیمی‌بنی، ۱۳۸۳: ۱۳۱)

پس از پایان یافتن جنگ در دوران دولت آقای‌هاشمی‌رفسنجانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویکردی درون‌نگر به خود گرفت و سعی بر این داشت تا الگو و مدلی موفق در توسعه اقتصادی و معیشتی از انقلاب ارائه دهد (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۹) آقای‌هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت ایران نیز این‌گونه بیان می‌کند که: «اگر بتوانیم مدلی از توسعه و پیشرفت تکامل و معنویات اسلامی به جهان ارائه دهیم آنگاه صدور انقلاب اتفاق می‌افتد» (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۹ و ۷۸).

در این دوره از صدور انقلاب با سیاست‌های مداخله‌جویانه در امور سایر کشورها و استفاده از زور و خشونت به شدت نپه‌ی می‌شد. علاوه بر آن تلاش می‌شد تا عادی‌سازی روابط و تنش‌زدایی محیط را برای ارائه الگوی مورد نظر از انقلاب فراهم سازند آقای‌هاشمی علاوه بر ارائه الگوی انقلابی اسلامی جهت صدور انقلاب راهکار دیگری را نیز ارائه می‌دادند و آن ارائه می‌دادند و آن ارائه فکر و پیام اسلام و انقلاب بود (یزدانی، اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۹).

در دوران دولت آقای‌خاتمی با تأکید بر جامعه مدنی بر روی شعارهایی همچون آزادی، قانون اساسی، حقوق ملت، قانون‌گرایی، حرمت شهروندی، کرامت انسانی و توسعه سیاسی تأکید می‌گشت (دبیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۳). دولت آقای‌خاتمی با طرح شعار جامعه مدنی در داخل کشور در پی آن بود تا زمینه تحقق الگویی از انقلاب اسلامی را بوجود آورد و در سیاست خارجی نیز در پی طرح شعار گفتگوی تمدن‌ها و تر تنش‌زدایی برای ارائه چهره‌ای مثبت و مسالمت‌آمیز از ایران در جهان بود (یزدانی، اخجسته، ۱۳۹۱: ۷۹) در واقع دولت آقای‌خاتمی بر آن بود تا با ارائه الگویی مردم‌سالار از انقلاب ایران جمهوری اسلامی ایران را به عنوان الگویی به جهانیان معرفی کند و لذا از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از جنبه

اقتصادمحور دولت قبل خارج شد و مفهوم توسعه سیاسی در این بین جنبه اساسی پیدا کرد. بدین سان، در چهارچوب ایده گفتگوی تمدن‌ها، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اندیشه‌ها و آرمان‌های خود را که مبتنی بر فطرت خداجوی و حق طلبانه است، عرضه کند و ملت‌ها و کشورهای جهان آزادانه در فضای گفتگوی تمدن‌ها از آن الگوبرداری نمایند (تاجیک - دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴).

در دوره آقای احمدی‌نژاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با طرح شعارهایی مانند عدالت‌طلبی و تأکید بر ارزش‌های انقلاب از سوی آقای احمدی‌نژاد بازگشتی به گفتمان ارزش‌محور در اوائل انقلاب بود. احمدی‌نژاد مدیریت بین‌المللی را مدیریتی ناعادلانه می‌خواند و خواستار تغییر در ساختار مدیریت بین‌المللی بود و توجه بیشتر به ملت‌های محروم و مظلوم را درخواست می‌کرد (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۱: ۸۱). وی راهبرد کلان خود را مهرورزی، عدالت‌گستری، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی اعلام می‌کرد و مؤلفه‌های اصلی خود را در سیاست خارجی خود حفظ استقلال همه جانبه کشور و تعامل بین‌المللی بر مبنای عدالت، صلح و عزت برای همه و مبارزه با بی‌عدالتی و تبعیض، ناامنی و تحقیر ملت‌ها و جنگ افروزی مطرح می‌نمود (کریمی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۸۰). احمدی‌نژاد در پی آن بود تا در داخل جامعه‌ای نمونه بر پایه ارزش‌های اسلامی من جمله عدالت تشکیل دهد و با اشاعه و ترویج این ارزش‌ها بتواند جامعه جهانی را اصلاح کند (یزدانی - اخجسته، ۱۳۹۱: ۸۱). مهم‌ترین کارکرد و کار ویژه یا دست کم شعار اعلامی جمهوری اسلامی ایران در این دوره پیگیری عدالت است و حتی امنیت ملی و بین‌المللی نیز در گرو تحقق عدالت ملی و بین‌المللی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۶).

احمدی‌نژاد سعی داشت تا با تاثیرگذاری بر افکار عمومی از طریق ابزارهایی مانند نامه‌نگاری و ارسال پیام برای ملت‌ها و سخنرانی در نهادهای عمومی مانند سازمان ملل و... از دیپلماسی عمومی بهره بگیرد و به خلاف دولت‌های قبلی که توجه خود را معطوف به مسئولین می‌کردند وی توجه خود را به ملت‌ها و گروه‌های غیررسمی معطوف می‌کرد.

۲-۲-۲-۲. شیوه اجرای اندیشه صدور انقلاب در انقلاب روسیه

در انقلاب روسیه لنین اولین رهبر انقلاب روسیه بود که دکتربین انقلاب حرفه‌ای را پیگیری می‌کرد. برای این کار می‌بایست عده‌ای انقلابی حرفه‌ای ایجاد شوند که تمام وقت و نیروی خود را صرف انقلاب کنند و برای این هدف باید از روشنفکران حزبی دعوت گردد تا خود را وقف انقلاب کنند. این انقلابیون حرفه‌ای وظیفه هدایت جامعه کارگری را دارند تا به اهداف انقلابی دست پیدا کنند (طلوعی، ۱۳۷۰: ۴۷). لنین، توده‌ها را مخاطب قرار می‌داد و وظیفه‌ای که برای روشنفکران یا همان انقلابیون حرفه‌ای قائل بود به حرکت در آوردن توده‌ها بود (طلوعی، ۱۳۷۰: ۴۸ و ۴۷) در واقع از همان انقلابیون حرفه‌ای قائل می‌کرد که پیشتر اشاره شد که امام خمینی (ره) نیز تأکید بر این دیپلماسی داشتند و مخاطب خود را مردم و ملت سراسر جهان به‌ویژه مسلمانان و مستضعفان قرار داده بود. استالین که بعد از مرگ لنین جانشین وی شد. قائل به نظریه سوسیالیسم در یک کشور بود. لنین و پیروان او قائل بودند که انقلاب روسیه تنها

در صورتی می‌تواند پیروز شود که جزئی از جنبش انقلابی جهان را تشکیل دهد و انقلاب سوسیالیستی ابتدا در اروپا و سایر نقاط اتفاق بیفتد و بعد به کمک آنها انقلاب در روسیه شکل بگیرد که این نظریه معروف انقلاب مداوم/مستمر است. اما استالین قائل به این مطلب نبود وی می‌گفت می‌توان نظام سوسیالیستی را در روسیه ایجاد کرد بدون اینکه انقلابی در کشورهای اروپایی رخ دهد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۲۰) در واقع استالین بر این باور بود که باید ابتدا انقلاب سوسیالیستی را در روسیه تشکیل داد و این امر که امکان‌پذیر هم می‌باشد، سرمنشأ سایر انقلاب‌ها خواهد بود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

شاید بتوان گفت که نظریه انقلاب سوسیالیستی در یک کشور شبیه سیاست ارائه الگوی اقتصادی در دوران هاشمی رفسنجانی است. البته لنین نیز پس از صلح با آلمان‌ها نیز بالاچار از مواضع خود عقب‌نشینی کرد و چاره‌ای جز این نمی‌دید تا فعلاً به اصلاحات اقتصادی داخلی - معروف به سیاست نپ- در کشور روسیه بپردازد که این هم تقریباً نمونه‌ای از ارائه الگوی اقتصادی جهت صدور انقلاب می‌باشد. اقداماتی که در راستای صدور انقلاب در روسیه انجام گرفت را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد که بخش اول شامل اقداماتی می‌شود که به صورت نرم و مسالمت‌آمیز انجام می‌شود و بخش دوم اقداماتی که سخت‌افزارانه و همراه با خشونت می‌باشد.

اقدامات نرم روسیه در راستای صدور انقلاب عبارتند از:

اول: تشکیل کمیترن‌ها یا همان بین‌الملل کمونیست که هدف از این کمیترن‌ها رهبری جنبش جهانی کمونیستی برای سرنگونی نظام‌های سرمایه‌داری در سراسر جهان بود. به دنبال تشکیل کمیترن‌ها فعالیت‌های گسترده تبلیغاتی را آغاز نمودند (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۹)؛

دوم: تشکیل گروه‌های ملی که در حقیقت بخش‌های خارجی وابسته به کمیته مرکزی حزب بلشویک روسیه بودند. گروه‌هایی آلمانی و مجار و اتریشی و یوگسلاو و... تشکیل شد که هر کدام از این گروه‌ها نشریه و مطبوعات تبلیغاتی خاص خود را داشتند؛

سوم: کمک‌های مالی به جنبش‌های انقلابی: در ۲۴ دسامبر ۱۹۱۷ یعنی کمتر از دو ماه پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها، دولت شوروی با وجود همه گرفتاری‌های داخلی خود دو میلیون روبل برای کمک به نهضت‌های انقلابی در جهان اختصاص داد (طلوعی، ۱۳۷۰: ۲۰۶)؛

چهارم: تبلیغات در بین اسیران جنگی: از فعالیت‌هایی که دولت شوروی جهت صدور انقلاب انجام می‌داد تبلیغاتی بود که در بین اسیران جنگی داشتند. که سعی بر این داشتند که یا اسیران به ارتش سرخ بپیوندند و یا به کشورهای خود برگردند و سعی در ایجاد انقلاب‌های کمونیستی داشته باشند؛

پنجم: تبلیغات در کشورهای اروپایی: اوراق و نشریات تبلیغاتی که به زبان‌های دیگر طبع می‌شد و به کشورهای دیگر سرازیر می‌شد. اولین کشوری هم که برای صدور انقلاب در نظر لنین بود آلمان بود که گروهی را برای تبلیغات به آلمان فرستاد؛

ششم: تشکیل سازمان احزاب کمونیست جهان: در سال ۱۹۴۷ استالین دستور تشکیل سازمانی را به نام سازمان احزاب کمونیست جهان صادر کرد که وظیفه این سازمان بود که ارتباط احزاب کمونیست سراسر جهان را با مسکو تقویت کند و خطمشی و وحدت رویه در بین این احزاب ایجاد نماید؛ بخش دیگری از اقدامات روسیه جهت صدور انقلاب خود اقدامات سخت‌افزاری بود که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌نماییم.

اول: اشغال آذربایجان: کشور آذربایجان توسط ارتش سرخ اشغال گردید و پس از اشغال آذربایجان از طرف ارتش سرخ، جمهوری مستقل ارمنستان نیز داوطلبانه به حاکمیت دولت شوروی گردن نهاد (طلوعی، ۱۳۸۷: ۷۷)؛

دوم: اشغال کشورهای ساحلی بالتیک (لیتوانی-لتونی و استونی) توسط ارتش سرخ؛ سوم: اشغال فنلاند: از سال ۱۹۳۹-۱۹۴۰ م. فنلاند گرفتار جنگ با روسیه شوروی بود و سرانجام تسلیم شوروی شد و بر طبق معاهده صلح سال ۱۹۴۰ قسمتهایی از اراضی سرحدی خود را به شوروی واگذار کرد و به امید بازیافتن این اراضی در حمله سال ۱۹۴۱ آلمان به شوروی، به آن کشور پیوست؛ چهارم: اشغال لهستان توسط روسیه: لهستان پس از اعلام استقلال خود در سال ۱۹۱۸ به‌منظور تعیین مرزهای شرقی خود با روسیه جنگید و شوروی نیز در سال ۱۹۳۹ از مشرق به لهستان حمله بردند و لهستان به سرعت از پای درآمد. لهستان غربی ضمیمه آلمان و قسمت شرقی آن ضمیمه شوروی شد. هنگامی که آلمان در سال ۱۹۴۱ به شوروی حمله برد، تمامی خاک لهستان را به تصرف خود درآورد (بیات، ۱۳۸۴: ۵۸۲)؛

پنجم: تشکیل جمهوری شورایی سوسیالیستی در ایران: در سال ۱۹۱۹ (۱۳۳۸ق) جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران (جمهوری گیلان یا جمهوری شورایی گیلان) تشکیل شد که یک جمهوری شوروی با عمر کوتاه بود که توسط میرزا کوچک خان جنگلی، از رهبران نهضت مشروطه‌ی گیلان، با استفاده از نیروهای چریکی مشهور به جنگلی و با کمک ارتش سرخ شوروی در منطقه‌ی گیلان تأسیس شد (اشرافی، www.pajoohe.com)

ششم: تأسیس حکومت کمونیستی در مجارستان: در سال ۱۹۱۹ کمونیست‌های مجارستان در بوداپست به علت وقایع به‌وجود آمده سر به شورش برداشتند و بلاکون رئیس آنها به کمک بلشویک‌های روسیه موفق به تأسیس حکومتی انقلابی در مجارستان شد (بیات، ۱۳۸۴: ۵۶۱)؛

هفتم: اشغال افغانستان: آغاز اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ م. توسط شوروی بود و این اشغال تا سال ۱۹۸۵ م. که مصادف با روی کار آمدن گورباچف بود به پایان رسید (جمالی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

همان‌طور که روشن شد در انقلاب روسیه به دو شکل نرم و سخت صدور انقلاب صورت می‌گرفت که البته صدور انقلاب به صورت قهرآمیز جنبه غالب داشته است. اما در انقلاب اسلامی ایران در هیچ دوره‌ای صدور قهری انجام نگرفته است. در خصوص جنگ تحمیلی نیز باید به این نکته اشاره کرد که اولاً در

هشت سال دفاع مقدس، صدور تدافعی صورت گرفته است و هیچ تهاجمی از جانب جمهوری اسلامی ایران و به منظور صدور انقلاب صورت نگرفته است. تنها از جنگ به منظور فرصتی برای صدور انقلاب استفاده می‌شد. در واقع جنگ تحمیلی، اهرمی برای صدور نرم انقلاب بوده است.

انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران در برخی زمینه‌ها مشابهت‌هایی از صدور انقلاب دارند. از جمله مواردی که می‌توان اشاره کرد استفاده از دیپلماسی عمومی است که همان‌طور که اشاره شد در کلمات امام خمینی(ره) اشاره شد ارتباط با ملت‌ها به جای ارتباط با دولت‌ها صورت پذیرد. در دولت آقای احمدی‌نژاد نیز ارتباط با ملت‌ها به جای دولت‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت. در انقلاب روسیه در کلمات لنین این خطامشی به چشم می‌خورد که مخاطب خود را توده‌های مردم قرار داد و انقلابیون حرفه‌ای جهت به حرکت درآوردن توده‌ها به کار گیری می‌کرد.

از دیگر موارد مشابه در هر دو انقلاب کمک به گروه‌ها و جریانات همسو بوده است. همان‌طور که در اصول و برنامه‌های حزب جمهوری اسلامی به این نکته اشاره شده است که کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش به‌ویژه نهضت‌های اصیل اسلامی از راهکارهای صدور انقلاب می‌باشد و باید اعتقاد به اینکه داشت که گسترش این نهضت‌ها از عوامل دوام انقلاب اسلامی نیز هست. در انقلاب روسیه نیز کمک‌های مالی به جنبش‌های انقلابی صورت گرفت که می‌توان به کمک مالی روسیه در همان ابتدای به‌دست گرفتن قدرت به مبلغ دو میلیون روبل برای کمک به نهضت‌های انقلابی در جهان اشاره کرد.

مورد دیگر که در دو انقلاب دیده می‌شود تشکیل مجمع‌های جهانی است. در انقلاب ایران در دوران دفاع مقدس، شورایی تحت عنوان شورای انقلاب اسلامی که در برگیرنده مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، جنبش انقلاب اسلامی جزیره العرب، جبهه آزادی‌بخش بحرین و گروه‌های آزادی‌بخش برای لبنان تشکیل شد. در انقلاب روسیه نیز سازمان احزاب کمونیست جهان در زمان استالین و کمیتارن‌ها یا همان بین‌الملل کمونیست به منظور جهانی کردن انقلاب سوسیالیستی تشکیل شد.

با تمام اشتراکاتی که در بحث صدور انقلاب ایران و روسیه وجود دارد اما ماهیت صدور انقلاب در روسیه و ایران متفاوت می‌باشد. و همان‌طور که اشاره شد در انقلاب ایران صدور کاملاً نرم بوده است و در انقلاب روسیه صدور انقلاب قهری جنبه غالب را داشته است که شاهد آن اظهارات و اقدامات انجام شده قبل و پس از انقلاب روسیه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتیجه اساسی که از پژوهش حاضر می‌توان گرفت این که الگوی صدور انقلاب در روسیه و انقلاب اسلامی ایران با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند. این تفاوت در صدور انقلاب ناشی از تفاوت در ماهیت دو انقلاب است. انقلاب روسیه یک انقلاب سوسیالیستی و از نتایج آن سرنگونی حکومت تزاری و نهایتاً تسلط نظام سوسیالیسم بود ولی انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی و ضداستکباری است که تنها به واژگونی کامل استبداد اکتفا نکرده و در واقع انقلابی در فرهنگ انقلاب‌های جهان به‌وجود آورد انقلاب

اسلامی رژیم شاهنشاهی را سرنگون و حکومت اسلامی را برقرار کرد و به‌خاطر ماهیت ضداستکباری خود از همان ابتدا با دشمنی تمام ابرقدرت‌ها روبه‌رو بوده است.

انقلاب روسیه خواستار نظامی بود که ایدئولوژی آن انترناسیونال سوسیالیسم باشد و همین انترناسیونال سوسیال را در راستای صدور انقلاب خود تبلیغ می‌کرد. با وجود اینکه در هر دو انقلاب ایران و روسیه رهبران و متفکرین انقلابی بر سر اصل صدور انقلاب اتفاق نظر داشتند اما به دلیل اختلاف ماهیتی که در دو انقلاب وجود داشت نمی‌توانست الگوی صدور انقلاب مشترکی داشته باشند. انقلابیون روسیه تفکر صدور قهری انقلاب را در سر داشتند و بارها بارها با تعبیرات مختلف و به بهانه‌های مختلف از آن یاد می‌کردند. لنین، تروتسکی بوخارین، استالین و... همگی علاوه بر تأکید بر صدور انقلاب، صدور انقلاب، به دنبال راه‌های قهری آن بودند.

البته راه‌های صدور انقلاب از نظر آنها متفاوت بود. لنین با دکترین انقلاب حرفه‌ای خود در صدد صدور انقلاب بود و در عین حال توده‌های مردم را مخاطب قرار می‌داد و استالین نقشه انقلاب در یک کشور را در سر می‌پروراند. رهبران روسیه در روش و عملکرد خود نیز این مطلب را به اثبات رساندند که قصد دارند انقلاب روسیه را به هر نحوه ممکن قهرآمیز و... به اروپا و به تمام جهان صادر نمایند. از مواردی که می‌توان به آنها اشاره کرد اشغال کشورهای آذربایجان، فنلاند، لهستان، افغانستان و کشورهای ساحلی بالتیک و تشکیل جمهوری شورایی سوسیالیستی در ایران اشاره کرد.

در انقلاب اسلامی ایران بنیانگذار انقلاب امام خمینی (ره) قاطعانه و به صراحت تأکید بر صدور انقلاب داشت و در مقابل عده قلیلی که گاه مخالف صدور انقلاب بودند تأکید داشتند که ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم. در انقلاب اسلامی ایران همواره گفتمان غالب، همان گفتمان امام (ره) بوده است. امام (ره) ضمن تأکید بر صدور انقلاب، قائل به صدور نرم انقلاب بودند و می‌فرمودند که انقلاب را با شمشیر نباید صادر کرد بلکه با تبلیغ راستین اسلام و بیدار کردن ملت‌ها و دولت‌ها باید این امر صورت پذیرد.

سران و اندیشمندان انقلاب مانند مقام معظم رهبری، حجت‌السلام و المسلمین هاشمی‌رفسنجانی، شهید بهشتی، دکتر ولایتی، شهید رجایی و... نیز همگی تأکید بر اصل صدور داشتند و در شیوه صدور انقلاب نیز صدور انقلاب را با صدور فکر و ایمان و صدور فرهنگی و ارائه الگوهای مناسب اقتصادی، دموکراسی و یا عدالت‌مد میسر می‌دانستند.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران نیز در گفتمان‌های سیاسی مختلف بوجود آمده، همواره صدور نرم انقلاب مورد توجه مسئولین کشور بوده است. بدین ترتیب همانطور که اشاره شد دو انقلاب به‌علت ماهیت‌های متفاوت دارای رویکردهای متفاوتی نسبت به صدور انقلاب بودند. انقلاب اسلامی ایران به‌خاطر ماهیت اسلامی قائل به صدور قهری انقلاب نبود در صحنه عمل نیز اقدامی در جهت صدور قهرآمیز انجام نداد اما انقلاب روسیه در صدد صدور انقلاب بودند و از تمام راه‌های ممکن در این راستا استفاده می‌کرد.

منابع

- قرآن کریم
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، صحیفه، جلد ۱، تهران: نشر مشعر.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴)، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی(ره)، تبیان آثار موضوعی، دفتر ششم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۱۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم- اندیشه‌های مارکسیستی، تهران: نشر نی.
- بیات، عزیزالله (۱۳۸۴)، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان: از ماد تا انقراض سلسله پهلوی، ج ۱، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- تاجیک، محمدرضا و جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲)، الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران، راهبرد، شماره ۲۷، بهار.
- تروتسکی، لئون (۱۳۶۰)، تاریخ انقلاب روسیه، ج ۳، ترجمه سعید باستانی، تهران: انتشارات فانوس.
- جمالی، حسین (۱۳۸۲)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، ج ۱، قم: انتشارات مرکز تحقیقات اسلامی- نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- حسینی فر، رضا (۱۳۸۸)، امام خمینی و بیداری اسلامی، کتاب درسی، نشر معارف، قم.
- دبیرزاده، شهریار (۱۳۸۲)، تأثیر گفت و گوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره یک، بهار.
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال، رادفر، فیروزه (۱۳۸۸)، تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس، خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶)، گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، دانش سیاسی، شماره پنج، بهار و تابستان.
- نقل به مضمون از شهید دکتر بهشتی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۱/۱۱.
- سلیمی‌بنی، صادق (۱۳۸۳)، مباحث سیاسی سطح ۲، ج ۱، ناشر نمایندگی ولی فقیه، قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۷)، دانشنامه تاریخ، ج ۱، تهران: نشر علم.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۰)، غول‌های قرن، تهران: نشر علم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصول ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۴، ۱۱ و بند ۱۶ اصل ۳.
- کولایی(طبرستانی)، الهه (۱۳۷۶)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۴)، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، ناشر مولف.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌های اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، قم: صدرا.
- هلیت کار، ادوارد (۱۳۷۱)، تاریخ روسیه شوروی، ترجمه نجف دریابندری، ج ۳، تهران: نشر زنده رود.

- یزدانی، عنایت الله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، همدان.
- اشرفی، مرتضی، جمهوری شورایی گیلان، سایت پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
تاریخ مراجعه ۹۳/۶/۶ <http://www.pajoohe.com/fa/index>
- تاریخ مراجعه ۹۳/۸/۲۶ www.khamenei.ir